



کاشان در تلاش شهری فرهنگی

مصاحبه با حسین طباطبایی شهردار کاشان

تعریف شما از شهر فرهنگی چیست؟

البته شاید در دید اول، شهر فرهنگی به مدینه فاضله شباهت داشته باشد اما این درست به نوع دیدگاه به این مقوله بستگی دارد. از دید اکثر مدیران اجرایی که با واقعیات بیش از آرمان‌ها سروکار دارند و به تبع آن دیدگاهی واقع‌گرایانه را در تقابل با آرمانخواهی فلاسفه دنبال می‌کنند، شهر فرهنگی شهری است که ارزش‌های برگرفته از هنجارهای جمعی در مؤلفه‌های خاصی از رفتار اجتماعی ساکنان آن بروز کرده و نه تنها شهروندانی فرهنگی در خود جای داده بلکه المان‌هایی از شهر را نیز در خود درگیر کرده است. در این شهر فرهنگی حتی پیش از آنکه تقابلی با شهروندان وجود داشته باشد، با دیداری ساده از بافت شهر و اماکن خاص، به خوبی می‌توان از تأثیر هنجارهای فرهنگی بر زندگی شهری آگاهی یافت.

جایگاه شهرداری در شهر فرهنگی کجاست؟

به نظر من این سؤال در جوامع مختلف و نظام‌های سیاسی گوناگون جواب‌های گوناگون و گاه متضادی خواهد داشت. به طور قطع اشراف دارید که جایگاه شهرداری‌ها در شهرهای مختلف جهان - و به تبع، نظام‌های متنوع سیاسی - از همه‌کاره تا هیچ‌کاره تغییر دارد. پاسخ این سؤال شما در نظام‌های فدرال چنان گسترده است که شاید بتوان ساعت‌ها در باب آن قلم‌فرسایی کرد؛ اما در نظام کاملاً متمرکز سوسیالیستی تنها به یک جمله ختم می‌شود: اجرای سیاست‌های دولت! اما اگر منظور این باشد که جایگاه شهرداری در شهر فرهنگی ایرانی چیست، می‌توان به ابعاد مختلفی از وظایف شهرداری اشاره کرد. اکثر استادان مدیریت در تکوین نظریات و تئوری‌های این رشته به لزوم تعامل میان سازمان و محیط به عنوان شرط لازم تداوم بقای سازمانی اشاره کرده‌اند. این در حالی است که شهرداری‌ها در کشورمان در جایگاه اختیار کامل تا تمرکز مطلق دولت، جایگاهی در نیمه راه و البته تا حدودی متمایل به تمرکز دارند. لیکن در حیطه خود و به واسطه مدیریت شورای حاکم بر شهرداری و نقش مستقیم شهروندان بر آنها، شهرداری‌ها خواه ناخواه حیطه گسترده‌ای از وظایف‌شان را با نظر ساکنان شهر به اجرا درمی‌آورند و محدوده خدمات متنوع خود را با ارزش‌های فرهنگی حاکم ممزوج و درآمیخته می‌سازند. اگر چه با ورود شهرداری‌ها به حوزه‌های اجتماعی، چه در شهرهای کوچک که شهرداری‌ها مهم‌ترین نهاد خدمات‌رسانی منطقه هستند و چه در شهرهای بزرگ که نقش مکمل سازمان‌های دولتی را بازی می‌کنند، و تشکیل معاونت‌های اجتماعی و فرهنگی و یا تشکیل سازمان‌های

کاشان به عنوان یکی از قدیمی‌ترین شهرهای ایران در دل کویر، تاریخی پرفراز و نشیب دارد. شاید کاشان با حدود پنج‌هزار سال پیشینه، قدیمی‌ترین مهد تمدن در ایران زمین باشد. همزیستی انسان با کویر، مردمانی سخت‌کوش و صبور را پروراند است. این قدمت به عنوان یکی از مؤلفه‌های فرهنگی برای شهر سابقه فرهنگی پدید آورده است. فضاها و بناهای زیبای برجای مانده از اعصار مختلف بر این غنی فرهنگی می‌افزایند. تحرک و اداره شهرداری با مشارکت فعال شهروندان شهر را به ویژه در بُعد فرهنگی - اجتماعی، زنده و پویا ساخته است. شهرداری کاشان از پیشگامان حضور در عرصه‌های فرهنگی اجتماعی در میان شهرداری‌ها است. در گزارش‌ها و شرح فعالیت‌های شهرداری مباحث فرهنگی و اجتماعی بخش عمده‌ای را شامل می‌شود. نمونه‌های بارز این فعالیت‌ها در نشریات (سیمای شهر، پیام شورا، پوپک)، سایت شهرداری، جشنواره‌های شهروندی و نظایر اینها ماندگاری یافته است. جاذبه‌های فرهنگی و توریستی این شهر (و شهرهای اطراف) منطقه را به یکی از قطب‌های گردشگری به ویژه در بُعد فرهنگی - تاریخی تبدیل ساخته است.

ماهنامه با توجه به موضوع این شماره و همچنین اهمیت شهر کاشان در این حوزه، به گفت‌وگو با طباطبایی شهردار کاشان، با محوریت حوزه فرهنگی اجتماعی و ارتباط شهرداری با این مباحث پرداخته است. طباطبایی سه سال است که مسئولیت شهرداری کاشان را پذیرفته و در طول این مدت فعالیت‌های فرهنگی هنری در کاشان ارتقا یافته است.

فرهنگی و هنری و رفاهی و تفریحی، عملاً حیطه عملکرد شهرداری‌ها در مباحث فرهنگی به خط مقدم کشیده شده است.

شهروند شهر فرهنگی کیست؛ و انتظار شما از شهروندان این شهر چیست؟

بگذارید این مسئله را به عنوان اصلی در تحلیل این موضوع بپذیریم که فرهنگ، مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارهایی است که در تعاملات اجتماعی جامعه مورد احترام است و رعایت می‌شود. از این رو شهر فرهنگی، زمانی دارای این ویژگی است که شهروندان آن فرهنگی باشند. پس اگر شهری فرهنگی است، حتماً شهروندان آن نیز فرهنگ‌مدار و ارزشی خواهند بود. بر این اساس شهروند شهر فرهنگی کسی است که رعایت ارزش‌ها و هنجارهای گروهی را بر خرواسته‌های فردی ترجیح می‌دهد و پیروی از مدرنیته او را از تقید به هنجارهای جمعی باز نمی‌دارد.

برای ارتقای جایگاه فرهنگ در شهر و دستیابی به شهر فرهنگی چه نکاتی باید مد نظر قرار گیرد؟

گلوگاه اصلی این موضوع در پاسخ به این سؤال نهفته است. دعوی ارتباط میان [وسيله] و [هدف] درست مانند دعوی تقدم و تأخر خلقت [مرغ] یا [تخم مرغ] مسئله قدیمی میان فلاسفه است که گاه در نوشتار یا سخنان موافقان و مخالفان آن نمود پیدا می‌کند؛ اما نظر شخصی من این است که همواره وسیله بر هدف تأثیر داشته است. در بخش قبل و در تعریف شهروند فرهنگی، بخشی از تعریف را به عدم دلبندی او به مدرنیته منوط کردم. همه ما به خوبی درک کرده‌ایم که تفاوت میان نسل‌ها با تغییر تکنولوژی‌های مدرن زندگی روزمره، فاحش‌تر می‌شود و تفاوت این ارزش‌ها با افزایش دسترسی ما به این فناوری‌ها، کتمان‌ناشدنی است. آنچه که امروزه به عنوان خودباختگی در برابر فرهنگ‌های بیگانه و به عنوان یکی از مباحث آسیب‌شناسی فرهنگ مورد توجه جامعه‌شناسان است، درست به علت استفاده ما از نمادهای زندگی مدرن آنهاست. این جهت‌دهی تا جایی ادامه دارد که با نگاهی به تعاملات و ارزش‌های فرهنگی جوامع پیشرفته به خوبی می‌توان مقصد حرکت جامعه



امروزمان را حدس زد و دانست که ما هم در نهایت به آنجا می‌رسیم که آنها امروز بدان رسیده‌اند. بگذارید مثالی بزنم: همسالان من به خوبی به یاد دارند که یکی از ارزش‌های مورد توجه که به طور روزمره مورد رعایت قرار می‌گرفت و از سوی والدین و آموزگاران به صورت شفاهی و عملی گوشزد می‌گردید، احترام به بزرگان و افراد مسن در همه حال و حتی در موقع ورود و خروج از مکان‌ها و گذرگاه‌ها بود. همه ما به یاد داریم که موقع خروج از هر مکان شاید چند ثانیه از وقتمان را به تعارف و دادن اولویت خروج می‌گذرانیم. اما در زندگی امروزه در یک ایستگاه مترو و در زمان اندک ورود و خروج به قطار، اگر شما به دیگر مسافران تعارف کنید مورد شماتت و شاید حتی تمسخر قرار بگیرید. این خود ناشی از الزامی است که فناوری جدید مبتنی بر اصول و قواعد جهان‌شمول تمدن صنعتی بر زندگی روزمره ما وارد آورده است و البته به علت کثرت تکرار، آن‌ها را زایل می‌سازد.

چه عناصر خاصی را برای رسیدن به شهر فرهنگی لازم و ضروری می‌دانید؟

البته همه اینها بستگی به حوزه‌ها و سطوح ارزش جامعه دارد. به طور مثال، قوانین جهان‌شمول اسلام تمامی ابعاد زندگی را در برمی‌گیرد. به همین خاطر تمامی عناصر زندگی اجتماعی خواه‌وناخواه درگیر حفظ هویت و پاسداری از ارزش‌های انسان‌ساز اسلام می‌گردد ولی به هر حال جاذبه‌های خاص محیطی نیز در خاص بودن این عناصر نقش عمده‌ای دارد. آنچه که در حیطه عملکرد شهرداری و در تیررس مستقیم نهاد قرار دارد، توجه به عناصری همچون معماری و شهرسازی، حمل‌ونقل و زیباسازی است. به عبارتی شهرداری شهر فرهنگی مکلف است که فناوری‌های روز ارائه خدمات را در این بخش‌ها، در امتزاج با ارزش‌های فرهنگی شهر ارائه دهد و هویت فرهنگی شهر را در عناصر مذکور حفظ کند.

آیا شهرداری صرفاً می‌بایست به شهر فرهنگی مادی (کالبد، فضا، و نظایر آن) بپردازد، یا وظیفه دیگری هم به عهده دارد؟ چرا؟

فکر می‌کنم پاسخ این سؤال در تبیین جایگاه شهرداری در شهر فرهنگی داده شده است. در این خصوص دو نظر وجود دارد: نظر قانون و سلسله‌مراتبی، و انتظار عوام. البته بر طبق قانون، شهرداری کمترین کارکرد فرهنگی را دارد و این امر به عهده نهادهایی چون آموزش و پرورش، آموزش عالی و فرهنگ و ارشاد اسلامی گذاشته شده است. بدین ترتیب شهرداری چاره‌ای جز عمل به وظیفه حفظ هویت‌ها در کالبد شهر ندارد؛ اما ورود شهرداری‌ها به عرصه‌های جدید اجتماعی در قالب معاونت‌های اجتماعی، روابط عمومی، سازمان‌های رفاهی تفریحی فرهنگی و هنری، خواه و ناخواه آنها را وارد زمینه‌های جدیدی کرده است. بدین ترتیب و با ورود شهرداری‌ها به عرصه فرهنگی شهر، که البته به واسطه تعامل بیشتر با ارزش‌های بومی و محلی کارکرد مؤثرتری نیز دارد، جنبه‌های دیگری از فعالیت‌های فرهنگی شهرداری نمود می‌یابد.

روش‌های نو در فعالیت‌های فرهنگی با توجه به باورهای

مذهبی و سنتی چگونه در کنار هم قرار می‌گیرند؟ به عنوان نمونه، با توجه به برگزاری جشنواره‌های شهروندی در کاشان، تأثیرات آن را چگونه ارزیابی می‌کنید و برای ادامه آن چه برنامه‌ای دارید؟

جشنواره شهروندی در کاشان برگرفته از یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های شهرداری در ترویج ارزش‌های خاص فرهنگی در جامعه شهری بوده است. امکان مشارکت و اثربخشی بیشتر فعالیت‌های شهرداری در هر شهر به تعامل مطلوب میان شهروندان و شهرداری نیاز دارد. این جشنواره‌ها چونان تجربه‌ای در آغاز راه و نخستین گام در این مسیر شناخته می‌شوند که البته تأثیرات مثبت‌شان نیز فراوان است. جشنواره‌هایی از این دست مهم‌ترین تأثیر را در شناساندن وظایف و دغدغه‌ها و نیازهای مشارکتی شهرداری به شهروندان، در کنار شناخت دقیق نیازهای محلی و شهری شهروندان به وسیله شهرداری دارد. سیاستگذاری کلان با استفاده از تجارب ارزشمند شهرداری کاشان می‌تواند زمینه‌های تداوم آن را در سطح ملی، و البته به همراه حمایت‌های وزارت کشور و سازمان‌های شهرداری‌ها، فراهم آورد.

فعالیت شهرداری کاشان را در حوزه فرهنگی چگونه ارزیابی می‌کنید و چگونه برای آینده برنامه‌ریزی کرده‌اید؟

خوشبختانه در طول دوره دوم شورای اسلامی شهر، شهرداری کاشان توانسته است جایگاه ویژه‌ای در متن اصلی مسائل فرهنگی شهر پیدا کند. همان گونه که اشاره کردید، برای همایش‌ها، کنفرانس‌ها و جشنواره‌های فرهنگی، آموزشی و تفریحی، از اقدامات اساسی شهرداری در مباحث فرهنگی شهر بوده است. در واقع سازمان رفاهی تفریحی شهرداری کاشان با زیرمجموعه‌های آن از قبیل فرهنگسرای مهر و خانه فرهنگ معراج بسیاری از فعالیت‌های اثربخش فرهنگی را در زمینه فرهنگ دینی، فرهنگ شهروندی و فعالیت‌های هنری متعدد تئاتر، سرود، موسیقی و قرآنی برگزار کرده، که بسیار مثبت و اثربخش بوده است. همین عملکرد باعث شده است که چهره شهرداری در بین شهروندان، مثبت نمایانده شود.

اساس فعالیت‌های فرهنگی شهرداری در وهله اول شناخت دقیق تعاملات فرهنگی منطقه و ارزش‌های بومی و در وهله دوم بسط و گسترش اعتقاد به روابط متقابل اجتماعی یا به تعبیری روابط متقابل بین شهروندی و مدیریت شهری و احساس تعهد طرفین و مشارکت شهروندان در اداره امور شهر، و به عبارت کلی تر همسو با اهداف و وظایف شهرداری در برقراری اصول و فرهنگ شهروندی است. خوشبختانه شهر کاشان به واسطه پیشینه تاریخی و فرهنگی و اسلامی خاصی که [دارالمؤمنین] لقب گرفته، دارای ریشه‌های قوی فرهنگی مذهبی است و این فعالیت‌ها با گرایش مذهبی در بین اقشار مختلف شهروندان کاشانی با استقبال فراوان همراه بوده است. شهرداری کاشان براساس نیازهای روز جامعه با توجه به پیشینه فرهنگی و کار پژوهشی و تحقیقاتی، برنامه مدونی را هر ساله همراه با بودجه در نظر می‌گیرد و سعی کرده است که مطابق با بودجه و نیازهای جامعه اقدامات مفیدی را در مسیر اهداف و برنامه‌های شهرداری در حیطه فعالیت‌های فرهنگی مذهبی به انجام برساند.